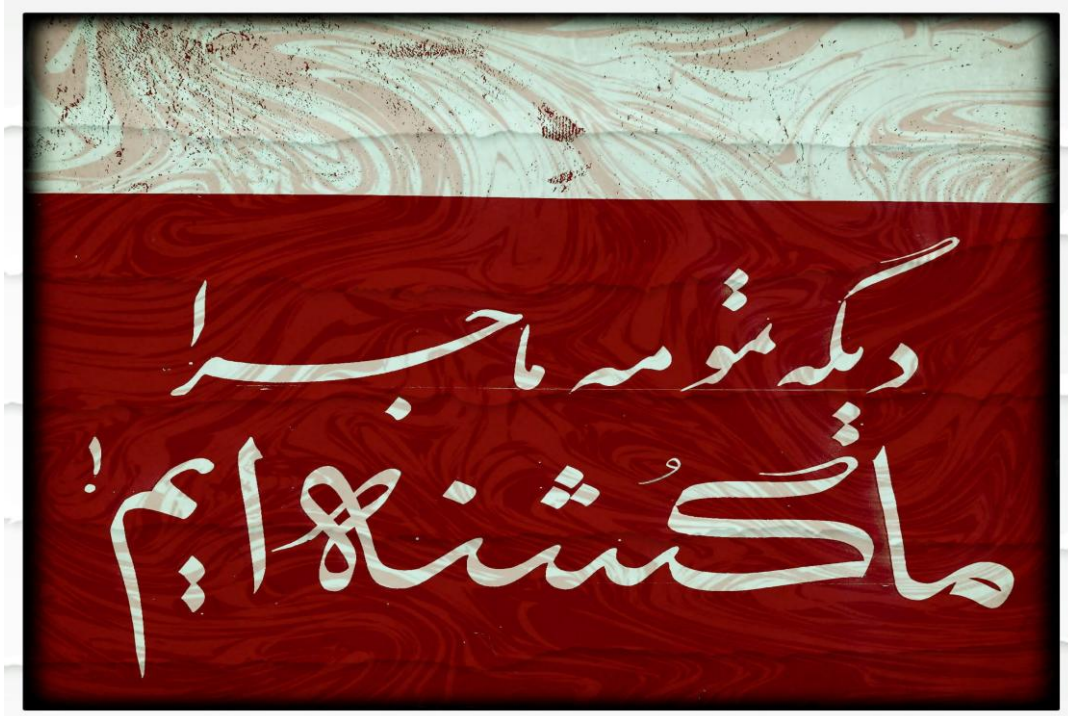


# دیگه تمومه ماجرا !

(بخش دوم)

امیرجوهری لنگرودی



مقدمه:

بار دیگر از هانا آرنه بهره می‌گیرم که نوشت: «حکومت بی‌قانون که قدرت آن در دست یک فرد است، قدرت خودسرانه که محدود به قانون نباشد و بر وفق مصلحت فرمانروای بیدادگر و برضد مصالح فرمان‌بران کار کند، برپایه‌ی هراس مردم از فرمان‌روا و بیم فرمان‌روا از مردم استوار است».

در کانال تلگرام سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه خبر داد که رضا شهابی روز پنجم خرداد ۱۴۰۱ در محل زندان اوین برای اولین بار در طی بازداشت با خانواده‌اش ملاقات حضوری داشته و نوشت: «خانواده‌ی آقای شهابی امروز جهت تحویل لباس‌های ایشان به زندان رفته بودند که با تقاضای ملاقات ربابه رضایی، همسر و دخترشان موافقت گردید؛ طی این ملاقات رضا شهابی اعلام کرد که تاکنون ۱۲ بار بازجویی در خصوص سفرهایی که درگذشته به نمایندگی سندیکا کرده و دیدار اخیر با دو معلم فرانسوی، داشته است.» چرا که: «این دیدار برخلاف ادعای صدا و سیما و سناریوی ساختگی وزارت اطلاعات در یک مکان عمومی (رستوران) انجام پذیرفته است. اساساً این دعوت صرف ادب و مهمانوازی صورت گرفته است و کاملاً با آنچه سناریو تهیه شده از سوی وزرات اطلاعات به نمایش گذاشته شده، مغایرت دارد» و در ادامه‌ی خبر آمده است: «سندیکای کارگران شرکت واحد از اعضای آی تی اف (فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل) می‌باشد و این دیدارها در سطح سندیکاها بسیار رایج است».

## در سال‌های رشد جنبش کارگری برای فعالان کارگری ایران در عرصه‌ی ارتباط بین‌المللی چه اتفاق افتاد؟

با مراجعه به آرشیو روزشمار کارگری‌ام، دریافتم که ما از یک دهه‌ی پیش شاهد آمد و رفت فعالان کارگری به خارج از کشور و عمدتاً به فرانسه (پاریس) بوده‌ایم که بخشاً طی سال‌هایی به دیگر کشورها نیز سفر کردند. بیش از ده سال است که کلکتیو سندیکاهای فرانسوی، متشکل از پنج سندیکای این کشور از جمله: ۱- س.ژ.ت (CGT)، ۲- س.اف.د.ت (CFDT)، ۳- اف.اس.او (FSU)، ۴- اونسا (UNSA) و ۵- سولیدر (Solidaires) که کلکتیو سندیکاها را تشکیل می‌دهند در حمایت از مبارزات جنبش کارگری، برای آزادی کارگران زندانی و زنان، معلمان و دانشجویان و فعالان محیط زیست؛ همچنین دفاع از موجودیت و ارتقای سندیکالیسم مستقل در ایران به فعالیت مشغول است. طی این سال‌ها ده‌ها بیانیه و اطلاعیه‌ی مشترک انتشار داده‌اند.

قابل ذکر است فعالان دعوت شده در برگیرنده‌ی گروه‌بندی مختلف کارگری ایران بوده‌اند. از جمله تدارک دو سفر به رای کاک محمود صالحی از چهره‌های شناخته‌ی شده‌ی فعال کارگری، کارگر نانوا و از بنیانگذاران «کمیته هم‌هنگی برای ایجاد تشکل‌های کارگری» ساکن شهر سقز در استان کردستان ایران، که بار اول در ۲۰۱۲ بود و دومین سفر وی برای شرکت در کنگره‌ی ژت در سال ۲۰۱۳ بوده است. سال بعد (۲۰۱۴) سفر آقای علی نجاتی چهره‌ی شناخته‌ی شده‌ی سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه به پاریس برای دیدار با نمایندگان کلکتیو سندیکاهای فرانسه، رخ داد که با برگزاری شب همبستگی با کارگران ایران با حضور بخشی از ایرانیان علاقمند و وفادار به جنبش کارگری ایران و سخنرانی و طرح پرسش و پاسخ ایرانیان حاضر در نشست با وی منتهی شد.

همچنین آقای حسن سعیدی از چهره‌های شناخته‌ی شده و عضو سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه - که امروز در زندان اوین به سر می‌برد - ژوئن ۲۰۱۷ همزمان با اجلاس سازمان جهانی کار (ILO) در ژنو، به فرانسه سفر کرده و بعد به همراه فعالان کلکتیو سندیکایی فرانسه، راهی ژنو شد تا در جلسات آترناتیو فعالان سندیکایی شرکت نماید. پس آنگاه در همان ماه ژوئن ۲۰۱۷ در کنگره‌ی سولیدر Solidaires شرکت نمود.

همچنین آقایان حسن سعیدی و سید رسول طالب مقدم، در ماه ژوئیه همان سال ۲۰۱۷ به عنوان دو نماینده‌ی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، در کنگره‌ی کنفدراسیون اتحادیه‌های بخش خدمات عمومی ترکیه کسک (KESK) شرکت کردند.

در نوبت بعدی به دعوت کلکتیو سندیکاهای فرانسوی، سه فعال سندیکایی ایرانی آقایان رضا شهابی و داود رضوی از اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، و لقمان ویسی از انجمن صنفی معلمان مریوان، از ۲۶ مه تا ۴ ژوئیه ۲۰۱۸ به فرانسه سفر کردند. و در این ادامه‌ی همین سفر برنامه‌هایی در سطح شهرهای مختلف آلمان (فرانکفورت، هانوفر و هامبورگ) از جانب سندیکاهای کارگری آلمان و سوئد (استکهلم و گوتنبرگ) به دعوت اتحادیه‌ی ترانسپورت و اتحادیه‌ی سراسری کارگران سوئد سازمان داده شد و ایرانیان مدافع جنبش کارگری از آنان استقبال کردند.

دیگر بار آقای رضا شهابی، برای شرکت در کنگره‌ی سندیکای س ژت در روزهای ۱۴ تا ۱۷ مه ۲۰۱۹ که در شهر دیژون فرانسه برگزار شد به عنوان نماینده‌ی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، صبح روز ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۸ عازم پاریس شد. این سفر رضا شهابی به نمایندگی سندیکا به دعوت کنفدراسیون عمومی کار فرانسه برای شرکت در کنگره‌ی ۵۲ فدرال سندیکا که در شهر دیژون Dijon از ۱۳ تا ۱۷ مه برگزار شد به فرانسه آمد و روز بعد عازم شهر دیژون- فرانسه رفت تا در بخش مربوط به همبستگی بین‌المللی سخنرانی کند.

در تمامی این سفرها، همکاران سندیکایی کشور میزبان، به استقبال فعالین کارگری و سندیکایی ایرانی آمده و از آنان پذیرایی و آنان را همراهی و راهنمایی می‌کردند؛ چرا که «این دیدارها در سطح سندیکاها بسیار رایج است» و هرگز دولت فرانسه یا سوئد، فعالین کلکتیو سندیکایی یا میزبان‌های فعالین کارگری ایرانی را بازداشت و مؤاخذه نکرده و اتهامات بی پایه‌ای که کنون حکومت اسلامی به دو عضو سندیکای معلمان فرانسه و فعالین کارگری کشورمان به بهانه‌ی دیدار و پذیرایی از آن‌ها وارد آورده، به اعضای کلکتیو سندیکاهای فرانسوی زده نشد.

### **چرا امروز رژیم به سناریو سازی امنیتی احتیاج دارد و چه هدفی را دنبال می‌کند؟**

پیشتر هم آوردیم برای حکومتی که خودش هم به خوبی می‌داند «دیگه تمومه ماجرا»، این سطح نازل سناریو سازی امنیتی، نشانه‌ی اضمحلال است. حکومتی که با قیام‌های مداوم گرسنگان روبروست، به‌طوری که همهی دستگاه اقتدارش از رونق افتاده، مساجدش بی مشتری‌ست، نماز جمعه‌هایش با چند عوام الناس موجب بگیر به زحمت برگزار می‌شود، به شیوه‌ی دزدان راهزن ده نفر به یک نفر حمله شبیخون می‌زند تا شاید از این طریق ایجاد رعب و وحشت، فضای دهه‌ی شصت را ذهنیت سازی کند، اما امروز حنایش در نزد افکار عمومی جامعه هیچ رنگ و بویی نداشته و ندارد.

همه‌ی کارگزاران نظام برآنند که شریان ارتباطی داخل و خارج باید قطع گردد. آن‌ها به خوبی واقفند که اکانت‌های ارتباطی داخل و خارج کشور، از طریق خیزش بلند چرخه‌ی شبکه‌های ارتباطی، چه آتشی به ارکان خبررسانی دروغ آنها انداخته است.

در نظام اسلامی، از بیت رهبری گرفته تا هر ننه من قمری، از آخوند دوزاری روضه خوان سر قبر آقا گرفته تا هر نماینده‌ی مجلس، ورزا، مدیران کل و معاونان، هر فرمانده‌ی سپاهی، بسیجی، بچه حزب الهی، آدم‌های امنیتی و... خود به وسیع‌ترین شکلی از شبکه‌های ارتباطی بهره می‌گیرند؛ همه برای خود سایت، وبلاگ، توئیتر، اینستاگرام، تلگرام، واتس آپ، فیس بوک با چندین سیم کارت و اکانت داشته و با عالم غیب هم در ارتباطند، ولی این ارتباطات برای مردم و زحمتکشانشان جرم تلقی می‌شود!

جرمی که اغلب متوجه‌ی فعالان گروه‌ها، احزاب و سازمان‌های سیاسی است که رژیم اسلامی آنها را «برانداز»، «معاند»، «خدا ناسناس» و «بیگانه پرست» و «فراری» می‌نامد. هر جا که رژیم در تنگنا می‌افتد، فعالان عرصه‌ی کار و زحمت و کنشگران مدنی، زنان، فعالان سندیکایی، معلمان، بازنشستگان، پرستاران، نویسندگان، سینماگران، اهالی تئاتر و غیره را، «جاسوس»، «آشوبگر»، «توطئه گر» و... می‌نامد. اما افکار عمومی جامعه‌ی ما با شناختی که از فرزندان تلاشگر و امتحان پس داده‌ی خود دارند، این خزعبلات تکراری را باور نمی‌کنند و به مجریان بی‌قابلیت آن می‌خندند!

در این میان همه‌ی مزدوران نظام می‌توانند، آزادانه و دلخواه به خارج سفر کنند، برای تدارک سیسمونی فرزندان و نوه و نبیره و نوادگان خویش از کشوری دیگر خرید هم کنند؛ یا برای معالجه‌ی چشم و پروستات و بواسیر خود به ینگه دنیا هم سفر کنند؛ در هر همایش و سیمینار جهانی برای توجیه کار چپاول و بالا کشیدن موقعیت خود حضور یابند، یک هواپیما نماینده‌ی خود گزین کرده به اجلاس سازمان جهانی کار (ILO) بفرستند، ولی هیچ فعال کارگری و معلم و حتی ورزشکاری بدون کنترل و نظارت نیروهای امنیتی این حضرات مافیایی امکان گذر از مرزهای کشور برای دیدار و شرکت در نشست یا مسابقه‌ای را ندارند. پاک کردن و ضایع ساختن ارتباط بین داخل و خارج، همه‌ی اقتدار امنیتی این جماعت فاسد و سرکوبگر را به نمایش می‌گذارد!

**ایست!** اینجا خط قرمز نظام اسلامی‌ست! رابطه بی رابطه، ارتباط بی ارتباط، همتا بی همتا! به‌فوریت بعد از دستگیری به تناسب وزن فرد بازداشتی و موقعیتش در جامعه، بازجویی و شکنجه و پرونده سازی آغاز می‌شود. می‌خواهند در جامعه هراس ایجاد کنند. تشکل مستقل را از هم بپاشاند و با ایجاد

وحشت، انزوا طلبی را اشاعه دهند. بازجویان حکومتی از زبان روزی‌نامه‌ی کیهان حسین شریعتمداری می‌گویند: شما همگی قصد "براندازی" و "سلب امنیت نظام" را در سر می‌پرورید.

هیچ فعال سندیکایی، هیچ فرهنگی شناخته شده، نه مجاز به ارتباط با همتای جهانی خود است و نه می‌تواند عضو یک تشکل بین‌المللی گردد. و ماجرا وقتی دردناک می‌شود که بخشی از ایرانیان و فعالان سیاسی خارج از کشور نیز این دوگانه‌سازی و جرم‌تراشی و اتهامات حکومت نکبتی اسلامی را می‌پذیرند و به این دسیسه‌ی امنیتی برای تفرقه افکنی میان ایرانیان فعال و دغدغه‌مند گردن می‌نهند.

بد نیست یاد آور گردم: نگاهی به ادعای بخشی از اپوزیسیون مذبذب خارج کشور در همگامی با این تبلیغ که "همکاری و همگامی نیروهای داخلی و خارج اشتباه است" حاصلی جز قطع ارتباط و دادن این امکان به رژیم که در سکوت خبری و بی‌اطلاع جهانی از وضعیت کارگران و زحمتکشان کشور، سرکوب و غارت را بیشتر کند، ندارد. باید گفت: در هیچ کجای قوانین همین حکومت جنایتکار نیامده، ارتباط دوستانه و همفکری با همکاران خارجی یا با اتباع خارجی ممنوع است. بعلاوه یک کارگر یا یک معلم چه اطلاعاتی می‌خواهد به همکار و همتای خارجی خود بدهد که بتوان آن را به زیان منافع ملی شمرد؟

حضرات امنیتی‌چی حکومتی بهتر است به جای سناریوسازی احمقانه و اتهام‌زدن و پرونده ساختن برای فعالین صنفی که چهره‌های سالم و شناخته شده‌ی ملی هستند، حفره‌های گشاد امنیتی خود را ببوشانند که تا افتضاح افشای بایگانی اسناد «تورقوزآباد» شان، که زیرچکمه‌ی ماموران موساد مرتب زیر و رو می‌شود تکرار نشود و مراقب دلالتان دردانه‌ای که به اسم دانشمند هسته‌ای جا می‌زنند باشند که وسط پایتخت شکار اسلحه‌های خودکار اسرائیلی نشوند.

از دیگر سو این‌روزها و در آستانه‌ی اجلاس سازمان جهانی کار، حکومت با پخش قسمت دوم به اصطلاح مستند امنیتی از شبکه‌ی سه تلویزیون که برای پاپوش دوزی و پرونده‌سازی علیه چهره‌های شناخته شده‌ی سندیکای شرکت واحد و معلمان کشور و... ساخته، تلاش می‌کند با انحصار ارتباط صنفی و سندیکایی کارگران با نهادهای بین‌المللی را در دست داشته باشد و به غیر از آنان که خود صلاح می‌بیند، امکان و اجازه‌ی عرض اندام و بیان مطالبات و انتقال اخبار و اطلاعات زندگی و معیشت کارگران ایران ندهد؛ گویی ارتباط با نهادهای و فعالین صنفی و سندیکایی فقط در هیاکل امثال «علیرضا محجوب» ها و برای آنها مجاز تراشیده شده که به نمایندگی از «خانه کارگر» کذایی به مثابه نهاد کارگزار امنیتی حکومت به هر کجا که بخواهند سفر کنند و حتی خود را کاندید نماید و با رای‌گزینی همراهان کشورهای مسلمان و کشورهای کافر دوست و برادر شرکت کننده در آن مجالس جهانی، برای خود رای بخرند تا دیگران را منزوی سازند و بترسانند و جامعه‌ای را از نمایندگان واقعی طبقه‌مان تهی سازند و تجمیع و اتفاق عمل را بخشکانند و رعب و وحشت را جایگزین سازند؛ چرا که بر این باورند: «ز هر طرف که شود گشته، به سود اسلام است»...

هانا آرنت در اثر بزرگ خود «توتالیتاریسم» به نوعی بدین موضوع اشاره می‌دارد و می‌گوید: «این واقعیت بارها در نظر گرفته شده است که ارباب تنها می‌تواند بر انسان‌هایی فرمان‌روایی مطلق پیدا کند که از یک‌دیگر و علیه هم‌دیگر منزوی شده باشند؛ و به همین دلیل است که یکی از دل‌مشغولی‌های حکومت‌های بی‌دادگر، اشاعه‌ی این انزواست. انزوا را باید آغاز ارباب دانست. بی‌گمان، انزوا مساعدترین زمینه‌ی ارباب و درضمن همیشه نتیجه‌ی آن است. نشانه‌ی این انزوا که گویی به دوره‌ی ماقبل توتالیتار تعلق دارد، ناتوانی است. از آن‌جا که قدرت، همیشه از انسان‌هایی برمی‌خیزد که باهم عمل می‌کنند یا به تعبیر برک، «متفقاً عمل می‌کنند»، پس براساس این تعریف، انسان‌های منزوی بی‌قدرت‌اند.» (۱)

پاسخ این جدایی و انزوا جویی را تجمیع نیروی مطالبه‌گر جامعه می‌دهد. در خویشتنداران‌ترین شکل پراکندگی موجود درون جامعه‌ی ما افراد همه با هم دلیرند ولی یک فرد همین‌که به یاد خطری می‌افتد که تهدیدش می‌کند، بزدل و کم جرأت، و با نگرستن به خویشتن خویش و حفظ خود، ناتوان از همسویی و هم‌جهتی با دیگران و هم طبقه‌ای خود می‌شود.

### چه فرایندی می‌تواند جمهوری اسلامی را به میثاق‌های جهانی پایبند سازد؟

این خود مضامین میثاق‌ها و اهداف و وظایف مندرج در پیمان‌های جهانی هستند که باید در برابر نظام اسلامی و همه ممیزات «سلام فرمانده» صف آرایی کند...!

اگر در اساسنامه‌ی سازمان جهانی کار (ILO)، مؤکداً آورده شده: «رهبران و مدیران فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری، استقلال از حکومت‌ها، احزاب سیاسی و کارفرمایان را جزء بایسته‌های خود می‌نامند» پس نباید هیچ فرد خود برگزیده‌ی نظام اسلامی را بر صندلی سالانه‌ی اجلاس جا داد. باید به صراحت اعلام داشت: ما تنها و تنها نیرویی را طالبیم که به نمایندگی از طبقه‌ی اجتماعی‌اش راهی سفرگردد و در اجلاس شرکت کند.

امسال حکومت اسلامی برای خاموش کردن صدای اعتراضات، فعالان اجتماعی را به بند کشیده و خود یک هیئت ۴۳ نفره شامل: مقام‌های دولتی، نمایندگان مجلس، کارفرمایان و به اصطلاح «نمایندگان کارگری» خود برگزیده‌ی تشکل‌های حکومتی را به اجلاس ژنو اعزام کرده است.

درمقابل، شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی معلمان و چند تشکل مستقل صنفی دیگر طوماری خطاب به هیات نمایندگی شرکت کننده در اجلاس، به ویژه نمایندگان تشکل‌های کارگری، تهیه و از آن‌ها خواسته‌اند به دلیل عدم اجرای مقوله نامه‌های سازمان جهانی کار (ILO) و نقض حقوق اولیه‌ی کارگران در ایران، نمایندگان جمهوری اسلامی از هیئت مدیره‌ی سازمان جهانی کار (ILO) اخراج شوند.

هیئت مدیره‌ی سازمان جهانی کار ۵۶ عضو دارد که هر چهار سال یک بار با رأی کشورهای عضو انتخاب می‌شود. هیأت حکومت اسلامی ژوئن ۲۰۲۱ به عضویت آن درآمد. نامه‌ی اعتراضی به شکل طوماری در شبکه‌ی اینترنت قرار داده شده و همراه با امضاها در اختیار هیات شرکت‌کننده در کنفرانس قرار خواهد گرفت. (۲)

الزام عملی چنین خواستی که از جانب کارگران، معلمان و جنبش آزادیخواهی و جانبدار مبارزه‌ی طبقاتی ایران برابر «یکصد و دهمین اجلاس سالانه سازمان جهانی کار (ILO) ژنو، ۲۷ ماه مه الی ۱۱ ژوئن ۲۰۲۲» گذاشته شده، این سازمان را به اجرای اساسنامه‌اش مقید می‌نماید. صرف عضویت کشورها و پرنمودن صندلی‌های اجلاس از لشکری از فرماندهان‌شان، سازمان جهانی کار را ارگانی بدل می‌سازد که با ساز دولت‌های عضو تعریف می‌گردد؛ نهادی که در برابر منفعت سوداگرانه‌ی سرمایه‌داری جهانی، فاقد توان و اراده برای حمایت از زحمتکشان جهان است.

مرتجعان اسلامی حاکم چنین تصور کرده و می‌کنند که با کشتن، شکنجه و زور می‌توانند مقاومت و مبارزه را درهم بشکنند و ایران را به سر زمین مُردگان تبدیل کنند، زهی خیال باطل؛ منطق ستم‌دیدگان و استثمار شونده‌گان مقاومت و مبارزه تا پیروزی است. چنین است تاریخ بشر تا به امروز. رژیم سرمایه داری اسلامی حاکم بر ایران، حلقه به حلقه توسط جنبش‌های کارگری، معلمان، زنان، بازنشستگان، دانشجویان، گرسنگان و بیکاران محاصره شده است و این دستگیری‌ها، اتهام زدن و پرونده‌سازی‌ها، آتش خشم جنبش‌ها را باز بیشتر شعله‌ور خواهد کرد.

همبستگی جهانی با جنبش کارگری ایران و دیگر جنبش‌های اجتماعی، سیمای نوینی به مبارزه‌ی مردم ایران علیه حاکمان مرتجع بخشیده است و شعار «زندانی سیاسی آزاد باید گردد» به فریاد بلند

زنان و مردان مبارز جامعه‌ی ایرانی تبدیل شده است. دیگر هیچ نیرویی با بگیر و ببند و سرکوب نمی‌تواند جلوی این خیزش سهمگین از پائین، از کف خیابان‌ها، از کارخانه‌ها را سد کند. مردم جامعه‌ی ما حق دارند برابر حکومتی که آن را نمی‌خواهند و با همه‌ی وجود شعار می‌دهند: «خامنه‌ای حیا کن/ مملکتو رها کن» یا «رئوسی حیا کن/ استعفاء و استعفاء»، به پا خیزند و حکومتی که خود می‌خواهند و لایق‌شان است برپا دارند. مردم تنها نیرویی هستند که می‌توانند خود به نجات خویش برآیند. باید به نیروی‌مان باور داشته باشیم و برای تغییر شرایط موجود حرکت کنیم تا از زیر بار وضع خفت بار و ذلت آور موجود رها شویم. هیچ نجات دهنده‌ای جز خودمان نیست! باید همه‌ی زندانیان سیاسی و عقیدتی زندان‌های سراسر ایران، بدون قید و شرط و فوری آزاد شوند تا جامعه به روال آید!

پنجشنبه ۱۲ خرداد ۱۴۰۱ برابر ۰۲ ژوئن ۲۰۲۲

### منابع:

- (۱) هانا آرنه، توتالیتاریسم، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، ص ۳۲۷ و ۳۲۸، نشر ثالث، چاپ دوم، ۱۳۸۹، تهران
- (۲) سایت رادیو زمانه، درخواست برای اخراج نمایندگان حکومت اسلامی از هیئت مدیره سازمان جهانی کار

<https://www.radiozamaneh.com/717154>